

وقف‌های قرآنی



دکتر مرتضی رحیمی^۱

چکیده

آموزش قرآن، به موجب آیات و روایات عدیده از اهمیت بسزایی برخوردار است، از همین رو، مسلمانان از همه مذاهب فقهی مختلف، به طرقي چون وقف، به آموزش قرآن و ترویج باورهای قرآنی کمک نموده‌اند.

وقف قرآن و نیز وقف اموال برای قرآن در جهت آموزش، توزیع، چاپ آن و... جایز و مطلوب است. وقف خاص قرآن به شیوه وقف به اولاد و... وقف عام آن که در بین مسلمانان وقوع خارجی زیادی دارد. از موجبات کمک به آموزش، تشکیل کتابخانه‌های مساجد و رواج باورهای دینی در خانواده‌ها و جوامع اسلامی است. وقف خاص قرآن، نشان از اهتمام مسلمانان به آموزش قرآن به فرزندانشان بوده که در روایات به شکل خاص مورد تشویق قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، آموزش، وقف خاص و عام قرآن

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه شیراز
نشانی الکترونیکی: mrahimi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۰

درآمد

پیامبر (ص) به عنوان نخستین معلم قرآن، آیات الهی را بر مردم می‌خوانده و مؤمنان به تلاوت ایشان گوش جان فرا می‌دادند. حضرت در همهٔ جهات، از جمله از جهت «تعلیم قرآن» اسوهٔ حسنه بودند و در زمینهٔ تعلیم کتاب و حکمت روشی حکیمانه داشتند. پس از ایشان نیز امامان معصوم (ع) به طور کلی شیوهٔ زندگی کردن با قرآن را تعلیم می‌دادند و قرآن را به عنوان بخشی از زندگی و یا متن زندگی اهل آن مطرح می‌کردند، به طوری که در زندگی آنان، پنهان یا آشکار، حضوری همیشگی داشته است.

در روایات نیز از اهمیت آموزش دادن و فراگرفتن قرآن سخن به میان آمده است، چنان که رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه» (ری شهری، ۲۵۲۱/۲)، بهترین شما کسی است که قرآن بیاموزد و آن را به دیگران آموزش دهد. امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «ینبغی للمؤمن ان لایموت حتی یتعلّم القرآن او یكون فی تعلّمه» (ری شهری، ۲۵۲۱/۲) سزاوار است که مؤمن نمیرد تا آن که قرآن را بیاموزد و یا در حال یادگیری قرآن باشد و نیز رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «الا من تعلّم القرآن و علّمه و عمل بما فیہ فانا له سائق الی الجنّة و دلیل الی الجنّة» (ری شهری، ۲۵۲۲/۲)، آگاه باشید که هر که قرآن را بیاموزد و آن را به دیگران آموزش دهد و به آنچه در آن است، عمل کند، من سوق دهنده و راهنمای او به بهشت خواهم بود.

در خصوص نقش وقف در آموزش قرآن، تحقیق مستقلی وجود ندارد، اما می‌توان در این باره، اشاراتی پراکنده از کتب فقهی و نیز تحقیقات مربوط به وقف شیعه و اهل تسنن به دست آورد. همچنین فهرست نسخ خطی قرآنی کتابخانه‌های مختلف اطلاعاتی در خصوص معرفی قرآن‌های موجود که بعضاً وقفی هستند، به دست می‌دهد، از این رو، تحقیقی مستقل در این باره ضروری می‌نماید.

اهمیت وقف در اسلام

وقف در لغت به معنای حبس و منع و در اصطلاح فقهی (بحرانی، ۱۲۶/۲۲) عبارت است از نگهداشتن و حبس کردن عین ملک و مصرف منافع آن در راه خدا است. تعریف یاد شده از حدیث مشهور نبوی «حبس الأصل و سبل المنفعة» (نوری، ۴۷/۱۴) گرفته شده است. محقق حلی، وقف را چنین تعریف می‌کند: «وقف، عقدی است که ثمرهٔ آن حبس اصل و تسبیل منافع می‌باشد (تسبیل منافع یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف

تعیین کرده است)». (حلی، ۱۶۵/۲)

مذاهب فقهی اهل سنت، متناسب با دیدگاه‌های خاص خود در باب وقف، تعاریف متعددی برای آن ارائه داده‌اند که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «وقف عبارت است از حبس مال که انتفاع از آن با بقای عین مال ممکن باشد». (ابو اسحاق، ۳۱۳/۵) «وقف عبارت است از حبس عین بر حکم ملک خداوند متعال». (ابن نجیم الحنفی، ۲۰۲/۵) حنفیه در تعریف وقف گفته‌اند: «وقف عبارت است از حبس عین بر ملک واقف و صدقه دادن منفعت آن هر چند فی الجمله» (الحصفکی، ۳۳۷/۴)

وقف به موجب متون اسلامی، اعم از قرآن و احادیث، اهمیت بسزایی دارد، چنان که از مصادیق «برّ» به شمار رفته و در آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى» بر مطلوب بودن آن استناد شده است. افزون بر آن، در قرآن آیات بسیاری به چشم می‌خورند که ابعاد گوناگون وقف را با عنوان «انفاق» پوشش می‌دهند. انفاق بیش از ۷۵ بار با تعابیر مختلف در جهت تشویق یا تشریح آداب، شرایط و موضوعات آن به کار رفته است. تردیدی نیست که واژه انفاق می‌تواند واجد معنای وقف باشد؛ زیرا انفاق به معنای پرکردن، به پرکردن خلأهای جامعه برای آینده‌های دور هم تفسیر می‌شود؛ زیرا ماده ثلاثی انفاق، از نَفَقَ به معنای حفره است که وقتی به باب افعال می‌رود، معنای ضد آن؛ یعنی «پرکردن نیازهای جامعه» را می‌یابد، در آن صورت یکی از مصادیق پرکردن خلأها می‌شود. مثلاً خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره، ۲۷۴). کسانی که در شب و روز، آشکار و پنهان، اموال خود را انفاق می‌کنند...

درجایی دیگر مسئله طلب خوشنودی خدا و استواری روح را در انفاق مطرح می‌کند و می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره، ۲۶۵) غیر از موارد یاد شده، تعابیر دیگری در قرآن، همچون سبیل الله، حسنه، صدقه، ایثار، الباقيات الصالحات، خیر و مشابه آن‌ها نیز می‌توانند معنای وقف را افاده و به آن تشویق نمایند.

در روایات اسلامی از وقف، بیشتر با عنوان «صدقه جاریه» و مانند آن تعبیر شده است. چنان که در حدیثی مشهور از پیامبر (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ وَالدُّعَاءُ وَوَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ وَ عِلْمٌ يَنْتَفَعُ بِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ» (ابن ابی

جمهور احسائی، ۲۶۰/۳)، «هرگاه فرزند آدم بمیرد، عمل او قطع می‌شود، مگر از سه چیز: فرزند صالحی که برای او دعا کند و عملی که از آن سود برده شود و صدقه جاریه (وقف). در حدیث یاد شده که مورد اتفاق شیعه و اهل تسنن است، صدقه جاریه به وقف و «علم ینتفع به» به تعلیم و تصنیف، تفسیر شده است که تصنیف از آن جهت که سالیان متمادی بر جا می‌ماند، قوی‌ترین مورد از موارد سه گانه در حدیث است. (سیوطی، ۳۲۶/۴ و بهایی، ۲۴۶) و در جای دیگر فرموده‌اند: «سنة تلحق المؤمن بعد وفاته. ولد یستغفر له و مصحف یخلفه و غرس یغرسه و بئر تحفره و صدقة تجریها، و سنة یؤخذ بها من بعده» (کلینی، ۵۷/۷): شش چیز هستند که بعد از مردن انسان به او می‌پیوندند: فرزندى که برای او استغفار نماید، کتابی که از خود به یادگار گذارد، درختی که کاشته باشد، چاهی که حفر کرده باشد، صدقه‌ای که جاری نموده و روش نیکویی که بعد از او به آن عمل شود.

از سوی دیگر، با توجه به پذیرش و رواج وقف در بین ملل و ادیان گوناگون می‌توان نتیجه گرفت که وقف مورد پذیرش عقلا است. قول به نامشروع بودن وقف مگر برای مساجد که برخی (مغنیه، ۵۸۵/۲) از آن سخن گفته‌اند، منافی با اجماعی بودن مشروعیت وقف نیست؛ زیرا قول یاد شده از نظر مذاهب فقهی اسلامی، متروک بوده، قابل اعتنا نیست. دلایلی که بر رجحان وقف دلالت دارند، رجحان همه اقسام وقف را تأیید می‌کنند، از این رو، وقف قرآن را نیز با توجه به اهمیت و جایگاه بلند آن، به نحو اولی اثبات می‌نمایند.

پیشینه

پیش از اسلام، وقف در بین پیروان همه ادیان غرب و شرق رایج بوده، چنان که همه معبدها، صومعه‌ها، آتشکده‌ها و زندگی اسقف‌ها، موبدان و کاهنان از منافع موقوفات، اداره می‌شده است. (جناتی، ۵۲ و ۵۳) پس از پیدایش اسلام، این روش پسندیده ادامه یافت و در زمان رسول خدا (ص) و امامان (ع) و زمان صحابه و تابعین و تابعین تابعین رواج داشت. چنان که بر اساس روایات، رسول خدا (ص) اموالی را وقف میهمانان می‌نمود. (نوری، ۴۶/۱۴). همچنین طبق تصریح ابن هشام و دیگر مورخان (ابن هشام، ۵۱۸/۱ و بلاذری، ۳۲۵/۱ و ۵۱۸) نخستین صدقه موقوفه در اسلام زمین‌های خیران است که آن‌ها را با وصیت در اختیار رسول خدا قرار دادند و پیامبر آن‌ها را وقف کرد، این مورد اولین وقف در دنیای اسلام به حساب می‌آید.

ضمناً به گزارش روایات عدیده، حضرت فاطمه (س) باغستان خود را در مدینه وقف کرد.

(نوری، ۵۰/۱۴ و ابن ابی جمهور احسائی، ۲۶۰/۳) در وقفنامه حضرت علی (ع) آمده است: «... علی عبد الله امیرمؤمنان دو مزرعه «ابی نیزر» و «بغیغه» را برای فقرای مدینه و ابن سبیل صدقه قرار داد تا خداوند، روز قیامت چهره او را از حرارت آتش مصون دارد، پس فروخته و بخشیده نمی‌شود تا به دست وارث هستی برسد». همچنین روایت شده است: «لم یکن من الصحابة ذو مقدرة الا وقف وقفاً» (ابن ابی جمهور، ۲۶۱/۳)؛ از صحابه کسی نبود که توانایی مالی داشته باشد، مگر این که مقداری از آن را وقف کرد.

در صدر اسلام، تعداد موقوفات بسیار نبود، ولی به تدریج با فتوحات اسلامی و گسترش سرزمین‌های گوناگون و یا بهترشدن وضع مسلمانان از نظر مالی، به همان میزان موقوفات آن‌ها هم از جهت کمی و کیفی گسترش یافت، به طوری که زمان حکومت عباسیان، در کشورهای اسلامی آن روز، تقریباً مقداری از منابع عامه، از راه موقوفات و صدقات تأمین می‌شد، چنان که موقوفات مدرسه مستنصریه و نظامیه بغداد، مسجد جامع دمشق و دیگر موارد شاهد این مدعا هستند؛ زیرا بر اساس تصریح برخی از مورخان (ذهبی، ۸/۴۶ و ۷) نوشته‌ای شامل پنج جزوه در خصوص موقوفات مدرسه مستنصریه دیده شده که اقلام زیادی را دربر داشته است و حدود پانصد نفر از جمله مدرسان و شاگردان ایشان از آن ارتزاق می‌نمودند. همچنین در مورد مدرسه نظامیه - که به اهتمام خواجه نظام الملک ساخته شده - تصریح شده است: «موقوفات زیادی برای این مدرسه و مدرسان شافعی آن در نظر گرفته و شرط کرده است که در این مدرسه افرادی به آموزش قرآن بپردازند و افرادی به تدریس علم نحو اقدام کنند و برای هر یک سهمی از وقف را در نظر گرفته است». (ابن الجوزی، ۳۰۴/۱۶)

در مورد وقف قرآن برای مساجد و آموزش و تلاوت آن نیز وضع همین گونه است؛ یعنی این امر همواره مورد اهتمام و توجه مسلمانان بوده است، به گونه‌ای که مثلاً در مراکش علاوه بر آنکه سلاطین و خلفاء، از جمله مهدی بن تومرت و مرتضی موحدی خود به استنساخ قرآن با دست خویش اقدام می‌نمودند، وقف قرآن بر مساجد خواه توسط سلاطین و خواه توسط عموم مردم رواج داشته است.

<http://www.habous.gov.ma/ar/detail.aspx?id=1151&z=270&s=8>

وقف‌نامه‌های موجود قرآنی این امر را تأیید می‌کنند، در میان آن‌ها می‌توان از کتابخانه مسجد جامع قزوین نام برد که قرآن‌های زیادی وقف آن شده است. همچنین اشاره شده که «أبوالقاسم علی بن ناصر الدولة محمد بن إبراهیم بن سیمجور» نسخه‌ای از قرآن در

سال ۳۶۳ هجری به کتابخانه آستان قدس رضوی وقف نموده و از آن پس، وقف قرآن در قرن چهارم رو به افزایش و گسترش نهاده است. این امر پیشینه طولانی کتابخانه آستان قدس را نیز نشان می‌دهد.

<http://www.imamreza.net/arb/imamreza.php?id=1016>

وقف قرآن از دیدگاه فقهی

لفظ مصحف و قرآن، شامل کل کتاب آسمانی است، اما از نظر عرف، مقداری از کتاب آسمانی، همچون حزب یا یک برگه یا مقداری از سوره، مصحف یا قرآن نامیده می‌شوند. در خصوص وقف قرآن از دیدگاه فقهی، از دو زاویه ذیل می‌توان بحث نمود:

الف) موقوفه واقع شدن قرآن

در این فرض که رایج‌ترین نوع وقف قرآن است، قرآن با اهدافی نظیر تلاوت، آموزش و... برای مکان‌هایی چون مسجد، حسینیه، حرم و مشابه آن‌ها وقف می‌شود، به عبارتی، مسجد و موارد مشابه موقوف علیه هستند که قرآن وقف آن‌ها شده است، از سویی، فقهای شیعه به مالیت و جواز وقف قرآن تصریح نموده‌اند، چنان که مامقانی گفته است: «آیا نمی‌بینی که وقف قرآن و وصیت به آن صحیح است و این که قرآن به ارث برده می‌شود و این که به حکم فتاوی اصحاب و نصوص ایشان به عنوان حبوه به فرزند بزرگ‌تر می‌رسد؟! و از آنچه ما گفتیم، آشکار می‌شود که چنانچه غاصبی قرآن را غصب نموده و آن را تلف نماید، ضامن قیمت نوشته‌های آن خواهد بود، نه برگ و دو جلد و غیر از نوشته‌های آن». چنان که گذشت، دانشمندان شیعه به جواز وقف تورات و انجیل از سوی پیروان آن‌ها باور دارند.

در خصوص علت جواز وقف قرآن از دیدگاه شیعه باید گفت: به عقیده آن‌ها، موقوف باید همان شرایط مبيع را داشته باشد؛ یعنی عین معین و ملک واقف باشد، از این رو، وقف دین و مال مجهول و غیر مملوک صحیح نیست، بدیهی است که قرآن شرایط یاد شده را دارد (مغنیه، ۵۷۶/۲) چه آنکه علاوه بر مالیت، دیگر شرایط را دارد، از همین رو، مهریه قرار دادن آموزش آن صحیح است. از سویی، از دیدگاه همه مذاهب فقهی اسلامی (مغنیه، ۵۷۷/۲) از جمله شرایط لازم موقوفه آن است که عین موقوفه با وجود بقای آن، امکان انتفاع داشته باشد، از طرفی، وقف اعیان منقول به اتفاق همه مذاهب - جز ابو حنیفه که

به منع آن باور دارد و شاگردش محمد که به صحت آن در خصوص سلاح و گله اسب باور دارد - صحیح است. بدیهی است که قرآن این شرایط را نیز دارد، از این رو، وقف آن امکان پذیر بوده و منعی ندارد.

وقف‌های مکرر قرآن (به دو صورت خاص و عام) از سوی دانشمندان شیعه همچون ابن طاووس و... و تشویق ایشان به وقف قرآن نشان از مطلوبیت و رجحان و جواز وقف قرآن از دیدگاه شیعه دارد. چنان که استفتائات و پاسخ‌های فقهای شیعه نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند، مثلاً از حضرت امام (ره) سؤال شده است: «تبدیل قرآن و کتب وقف شده در مساجد به احسن، چه صورت دارد؟» ایشان در پاسخ فرموده‌اند: «تا موقعی که قابل استفاده است، فروش و تبدیل آن جایز نیست». (خمینی، استفتائات، ۳۷۰/۲) همچنین در جای دیگر (خمینی، استفتائات، ۳۸۳/۲ و ۳۸۴) از ایشان پرسیده‌اند: «احتراماً معروض می‌دارد: بعضی از اشخاص خیر، قرآن کریم را به صورت جزوه به مساجد برای قرائت اهدا می‌کنند و در جلد جزوه‌ها وقفنامه یا عکس واقف را می‌چسبانند، بعضی از اشخاص این وقفنامه‌ها یا عکس اشخاص را پاره کرده و بیرون می‌ریزند، در شرع مقدس اسلام این کار چه حکمی دارد؟ ایشان در پاسخ فرموده‌اند: اهداء جزوه‌ها مانع ندارد و کسی حق ندارد وقف نامه را پاره کند و بیرون بریزد». همچنین از مقام معظم رهبری سؤال شده است: «یک نسخه خطی قرآن مربوط به سنه ۱۲۶۳ ه.ش وقف یک مسجد شده و در حال حاضر در معرض از بین رفتن است. آیا جلد کردن و نگهداری این اثر مقدس و ارزشمند نیاز به اجازه شرعی دارد؟» ایشان در پاسخ فرموده‌اند: «اقدام به جلد کردن و اصلاح جلد و ورق‌های قرآن مجید و نگهداری آن در همان مسجد، احتیاج به اجازه خاصی از طرف حاکم شرع ندارد». (خامنه‌ای، ۵۰۴)

در این زمینه می‌توان از استفتائات ذیل و پاسخ به آن‌ها توسط آیت الله گلپایگانی (ره) نیز یاد کرد؛ زیرا ایشان در پاسخ پرسش: «قرآن خطی که وقف خاص است و باید مورد استفاده اولاد معینی قرار بگیرد، با داشتن متولی شرعی، (زید) مأذوناً قرآن را پیش (عمرو) مؤسس کتابخانه‌ای، به عنوان ودیعت نهاده تا از مطالب مندرجه در ظهر (پشت) قرآن مذکور و خصوصیات آن استفاده نموده، بعد به طرف رد کند و مؤسس مزبور سهواً آن را جزء مصحف‌های کتابخانه قرار داده و در تحت شماره بیرون آورده است، آیا بر زید واسطه و یا متولی شرعی، حق مطالبه آن هست یا نه و آیا جایز است با عدم رضایت متولی و وقف خاص بودن، در کتابخانه عمومی مورد استفاده قرار گیرد؟» فرموده‌اند: «در فرض

سؤال که مصحف شریف مزبور وقف خاص بوده، باید مطابق وقف عمل شود و نگاه داشتن آن برخلاف وقف است و اذن متولی جایز نیست». همچنین در پاسخ پرسش: «یک جلد کلام الله مجید را کسی وقف بر محلّ معینی نموده، ولی چون کلام الله در آن محل خیلی جمع شده، این قرآن به کلی از استفاده افتاده است. در این صورت جایز است انتقال به محل دیگری بدهند یا نه؟» فرموده‌اند: «در صورتی که هیچ مورد استفاده نمی‌باشد، ببرند محل دیگر از آن استفاده شود، اشکالی ندارد». در پاسخ پرسش: «دفن اوراق قرآن و کتب موقوفه که مورد استفاده نیستند، چه صورت دارد؟» فرموده‌اند: «برای حفظ از هتک، مانعی ندارد».

http://www.balagh.net/persian/quran/ketab_khaneh/15_quran_dar_ayeneye_ahkam/08.htm

مذاهب فقهی اهل تسنن، غیر از ابوحنیفه و نیز شاگردش محمد، به صحت وقف قرآن باور دارند، تا جایی که گفته‌اند: هرگاه فردی کتاب‌هایش را وقف کند، قرآن نیز داخل وقف بوده و موقوفه تلقی می‌شود؛ چه آنکه قرآن از نظر لغت و شرع، کتاب تلقی می‌شود، دلیل آنکه قرآن شرعاً و لغتاً کتاب نامیده می‌شود، آن است که خداوند در آیات زیادی از قرآن آن را کتاب نامیده است، بر فرض که عرف، قرآن را کتاب ندانند، به دلیل معنای لغوی کتاب، به قضاوت عرف توجهی نمی‌شود، هر چند که برخی علمای اهل تسنن هنگام تعارض لغت و عرف، عرف را مقدم داشته‌اند.

با توجه به جواز وقف قرآن، از دیدگاه حنفیه، وقف قرآن بر مسجد معینی جایز است، در این صورت، قرآن فقط در همان مسجد قرائت می‌شود، اما بر اساس قول دیگری از ایشان، قرائت قرآن به مسجد مزبور محدود نمی‌شود و می‌توان در سایر مساجد نیز از روی آن قرائت نمود، ابن عابدین از دانشمندان حنفی نقل کرده است: «هرگاه قرآن را بر مسجدی وقف کنند، اما اهل آن مسجد را تعیین ننمایند، برخی گفته‌اند که در مسجد قرائت می‌شود؛ یعنی به اهل مسجد که به مسجد آمد و شد دارند، اختصاص می‌یابد و برخی گفته‌اند که به اهل مسجد اختصاص نمی‌یابد؛ یعنی می‌توان آن را به جای دیگر برد و باقی می‌ماند موردی که واقف به طور عام قرآن را برای طلاب علم، وقف، ولی شرط کند که آن از مسجد یا مدرسه - همان گونه که عادت است - خارج نشود... بعید نیست که پیروی از شرط (واقف) واجب باشد». (ابن عابدین، ۳۶۶/۴)

یکی دیگر از فقهای حنفیه گفته است: «اما وقف منقول قصد شده است، چنانچه منقول،

گلهٔ اسب یا سلاح باشد، وقف منقولات دیگر چنانچه در عرف جریان نداشته باشد، از نظر ما جایز نیست، اما چنانچه وقف منقول متعارف باشد، مثل تیشه، اره، ... مصحف‌ها برای قرائت قرآن، ابویوسف گفته وقف آن‌ها جایز نیست و محمد گفته جایز است، همین قول را عموم مشایخ از جمله سرخسی پذیرفته‌اند. همچنین در الخلاصه این قول پذیرفته شده، مختار ما نیز همین است.»

جصاص (۱۶۲۱/۴) یکی دیگر از دانشمندان حنفی مذهب نیز به جواز وقف قرآن اذعان و تصریح نموده است.

حنابله نیز به جواز وقف قرآن اذعان نموده‌اند (ابو اسحاق، ۳۱۶/۵ و البهوتی، ۴۵۱/۲) سخن مالکیه نیز جواز وقف قرآن از نظر ایشان را می‌رساند.

[http://www.islamweb.net/ver2/Fatwa/ShowFatwa.php?lang=A
&Id=27442&Option=FatwaId](http://www.islamweb.net/ver2/Fatwa/ShowFatwa.php?lang=A&Id=27442&Option=FatwaId)

همچنین شافعیه، ضمن پذیرش جواز وقف قرآن، اشاره نموده‌اند که وقف قرآن و کتب عالم و عبد مسلمان بر کافر ذمی و حربی درست نیست، ایشان وقف قرآن و هر نوع وقف دیگر را ملحق به میت تلقی نموده و آن را به عنوان صدقه برای میت مفید دانسته‌اند. (الشربینی المحتاج، ۳۷۹/۲؛ سلیمان الجمل، ۳۸۶/۳؛ شهاب الدین القلیونی، ۱۷/۳ و الشربینی، ۳۶۱/۲ق)

بر اساس دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت در مورد جواز وقف قرآن، فروع و احکامی برای آن بیان شده است، چنان که شخصی پرسیده است: در مساجد، قرآن‌های اضافی وجود دارد و تعدادی از آن‌ها برای امانت در نظر گرفته شده‌اند، آیا ما می‌توانیم در این قرآن‌ها تصرف کنیم، مثلاً آن‌ها را هدیه دهیم یا به مساجد دیگر شهرها بدهیم؟ در پاسخ استفتاء مزبور گفته شده است: وقف قرآن برای قرائت و استفاده نمودن از آن است، چنانچه قرآن مدت طولانی بدون استفاده قرائت باقی بماند و حصول اجر برای واقف آن متوقف شود، می‌توان آن را برای استفاده به مسجد دیگر منتقل ساخت، هر چند که مسجد یاد شده در شهر یا کشور دیگری باشد. (مجلة کلیة ملک خالد العسکری، شمارهٔ ۷۹، سال ۲۰۰۴م)

ب) موقوف علیه واقع شدن قرآن

بر اساس این فرض، اگر مالی جهت قرآن، (آموزش، چاپ، قرائت و...) وقف شود، مال یاد شده موقوفه است و قرآن موقوف علیه. این نوع وقف از نظر فقه شیعه منعی ندارد، تنها

ایراد فرضی آن است که قرآن به دلیل نداشتن یکی از شرایط موقوف علیه؛ یعنی «اهلیت تملک»، نمی تواند موقوف علیه واقع شود. اما این ایراد وارد نیست؛ زیرا مسجد هم اهلیت تملک ندارد، اما وقف برای آن صحیح است، از سویی این نوع وقف به لحاظ انسان ها که اهلیت تملک دارند و از آن استفاده می کنند، منطقی است. مغنیه در این باره گفته است: «از جمله شرایط موقوف علیه آن است که اهلیت تملک داشته باشد، از این رو، وقف بر حیوان و وصیت برای آن - آن گونه که غربی ها انجام می دهند - جایز نیست؛ زیرا مقداری از اموال خویش را مخصوصاً خانمها برای سگها وصیت می کنند، اما وقف بر مساجد و مدارس و بیمارستانها و مشابه آنها، در حقیقت وقف بر انسانهایی است که از آنها استفاده می کنند». (مغنیه، ۵۷۷/۲)

محقق حلی نیز ضمن اشاره به شرط یاد شده به نوعی از ایراد مزبور، چنین پاسخ داده است: «وقف بر مصالح، مثل پلها و مساجد صحیح است؛ زیرا در حقیقت وقف بر مسلمانان است» (محقق حلی، ۱۶۸/۲) شهید اول (شهید اول، ۹۹) نیز به نوعی ایراد یاد شده را در نظر داشته و به همان شیوه محقق حلی آن را پاسخ گفته است، از همین رو، عبارات یوسف بحرانی در این باره قابل توجه می باشد که گفته است: «فقها تصریح نموده اند که وقف یاد شده وقف بر مسلمانان است به اعتبار برخی از مصالح ایشان و تردیدی نیست که مسلمانان قابل تملیک هستند و نهایتش آنکه آن وقف بر ایشان است به اعتبار مصلحت معینی از مصالح ایشان، پس گویا آن وقف بر ایشان است، به شرط آنکه در مصرف یا مصلحت خاصی صرف شود». (بحرانی، ۱۹۰/۲۲) ولی در واقع آن، صرف برخی از مصالح مسلمانان می شود».

با توجه به پاسخهای یاد شده، وقف قرآن در حقیقت به انسانها؛ یعنی قاریان، مفسران، آموزش دهندگان آن و... بازمی گردد مجاز است. از سویی، این نوع وقف، مثل وقف مورد اول، در گسترش فرهنگ قرآن نقش بسزا دارد، همچنین، به نوعی، تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی تلقی می شود که در قرآن: «مَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۲) مورد تشویق قرار گرفته و فقها بارها برای مطلوبیت و رجحان امور دینی به آن استناد نموده اند. از طرف دیگر - چنان که گذشت - وقف یهود و نصارا برای کتابهای مقدس خویش (تورات و انجیل) اشکالی ندارد. (محقق حلی، ۱۶۸/۲) بدیهی است که وقف مسلمان برای قرآن باید مجاز و مطلوب باشد. این نوع وقف وقوع خارجی نیز دارد؛ یعنی برخی از وقفهایی که توسط مردم صورت می گیرد، وقف بر قرآن است که شامل آموزش،

چاپ و توزیع آن ... می‌شود.

<http://www.ansabonline.com/phpBB2/showthread.php?t=13127>

در فقه اهل سنت نیز این نوع وقف مجاز است و وقوع خارجی دارد، زیرا بر اساس تاریخ اسلام و تصریح غزالی (غزالی، ۱۰)، خلفا، ملوک، سلاطین و مسلمانان ثروتمند بسیاری اموال خویش را وقف آموزش، به خصوص آموزش قرآن نموده‌اند. در فقه اهل سنت، این نوع وقف، دامنهٔ زیادی را به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که مدارس قرآنی، قرائت قرآن در گورستان‌ها، قرائت قرآن و بخشش ثواب آن به دیگران و... را نیز شامل می‌شود. ابوحنیفه، احمد بن حنبل و جمهور فقهای گذشته بر این باور بودند که ثواب این نوع قرائت به افراد مورد نظر می‌رسد، البته مشروط به آنکه قرائت قرآن بدون دستمزد باشد، اما مشهور از مذهب شافعی و مالک آن است که ثواب این نوع قرائت به افراد مورد نظر نمی‌رسد، اما قرائت قرآن با دستمزد را به اتفاق مجاز ندانسته‌اند. (ابن ابی العز، ۲/۶۶۴) با توجه به تقسیم وقف به اقسامی چون عام و خاص، در بین مسلمانان، وقف قرآن به شکل عام رواج داشته است.

اقسام وقف

وقف اقسام گوناگونی به شکل زیر دارد:

۱. وقف عام: عبارت است از وقفی که بر جهات و عناوین عام باشد، مانند وقف بر فقراء، وقف بر اهل علم، وقف بر مدارس، بیمارستان‌ها و مانند این‌ها.
۲. وقف خاص: عبارت است از وقفی که بر جهت خاص و عنوان خاصی باشد، مانند وقف بر اولاد ذکور و یا وقف بر محل یا فرد خاصی که انتفاع از آن خصوصی می‌باشد.
 ۱. وقف انتفاع: عبارت است از وقفی که مقصود از آن درآمد مادی نباشد، مانند احداث مسجد و حسینیه در زمین ملکی خود و یا زمین موات.
 ۲. وقف منفعت: عبارت است از وقفی که مقصود از آن، درآمد مادی برای هزینهٔ چیزی دیگر است، مانند وقف مغازه برای ادارهٔ مسجد و یا مدرسه و یا بیمارستان.

وقف خاص قرآن

این نوع وقف در جوامع اسلامی رواج زیادی داشته و افراد با این نوع وقف، فرهنگ قرآن

را در خانواده خود استمرار می‌دادند. از جمله این وقف‌ها می‌توان به وقف ابن طاووس اشاره کرد. ایشان، بر اساس تصریح خودشان در کتاب سعد السعود، کتابخانه ارزشمندی داشته‌اند که تفاسیر، قرآن‌ها و کتب متعدد دیگر را در خود جای داده بود. وی در این کتاب به معرفی تفصیلی کتاب‌هایش پرداخته، چنان که در باب اول این کتاب، ضمن پانزده فصل، مصاحف و ربعات مصاحفی را که وقف نموده، معرفی کرده است. مثلاً در «فصل چهارم» اشاره نموده که یکی از مصاحف خویش را وقف دخترش شرف الاشراف نموده که در دوازده سالگی حافظ قرآن شده، آن‌گاه آیتی از آن را جهت تفسیر برگزیده است. همچنین از شش مصحف نامبرده، یکی را به فرزندش محمد - که کودک در گهواره بوده - هدیه یا وقف نموده است. دو مورد از مصحف‌هایش را نیز به فرزند دیگرش، علی - که به تصریح خودش در روز جمعه، هشتم محرم سال ۶۴۷ ق در نجف اشرف متولد شده - وقف کرده است. همچنین یکی از مصاحف کاملش را به دختر دیگرش فاطمه - که در کمتر از نه سالگی حافظ قرآن شده - وقف نموده است. (ابن طاووس، ۵ و ۳۰-۲۷) این امر، اهتمام شدید به آموزش قرآن به کودکان، تأثیر وقف قرآن در آموزش آن، همچنین اهتمام زنان به قرآن مجید را نشان می‌دهد.

از جمله موارد وقف خاص قرآن - که اهتمام گذشتگان به آموزش قرآن و نیز نقش وقف در آموزش را نشان می‌دهد - نسخه ارزشمندی است که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود.

<http://www.bfnews.ir>

این قرآن، به قرآن امام زمان (ع) معروف و متعلق به خوانین یزد بوده است. آن‌ها، آن را وقف اولاد ذکور کرده بودند که تا زنده هستند آن را به نیت امام زمان تلاوت نمایند و ذکور که با امام زمان هم عصر خواهد شد، هنگام ظهور، این قرآن را به امام آخرین فرزند زمان تقدیم کند. قدمت این قرآن ارزشمند به اواخر دوره صفویه برمی‌گردد. این قرآن سرفصل آن به خط احمد نیریزی از پیشگامان خوشنویسی اواخر دوره صفویان نوشته و (در سورة فاتحة الكتاب و ابتدای سورة بقره) به نحو زیبایی تذهیب شده است. این قرآن از و جلدی عالی دارد، قرآن یاد شده یکی از نظر جنس کاغذ، کتابت و تذهیب بی‌نظیر بوده کامل‌ترین قرآن‌های تاریخی به شمار می‌رود.

وقف عام قرآن

وقف قرآن به صورت عام بر مساجد و آرامگاه‌ها از رایج‌ترین انواع وقف است که فی سبیل الله و با نیت تقرب به خداوند متعال و طلب رضا و آمرزش او برای تلاوت قاریان و تلاوت کنندگان کلام مقدس و بهره‌مندی زندگان و مردگان از اجر و ثواب دنیوی و اخروی انجام می‌شود. این سنت در همهٔ سرزمین‌های اسلامی، به ویژه در ایران، در طول تاریخ حیات درخشان اسلامی‌اش رایج و متداول بوده است. نسخ خطی متعدد و وقف نامه‌های قرآنی این امر را تأیید می‌کنند.

کهن‌ترین نسخهٔ قرآنی موقوفی دنیای اسلام متعلق به قرن دوم هجری و متعلق به جامع کتابخانهٔ خدیوی مصر است که در سال ۱۶۸ هجری در جامع عتیق فسطاط وقف شده است. دومین قرآن از این نظر به خط کوفی اولیه و در زمان حکمرانی امجور (۲۶۴-۲۶۵ هـ) در دمشق وقف شده است. (بیانی، ۱۸) سومین نمونه، قرآن کوچکی است بر پوست که E.D.ROSS آن را در ۱۹۲۰ میلادی در تونس دیده و دارای وقف‌نامه‌ای به تاریخ ۲۷۵ هجری بوده است. چهارمین قرآن در کتابخانهٔ مورگان نیویورک به شماره M۲۱۷ موجود است که به خط کوفی و دارای وقف نامه‌ای از سوی «عبدالمنعم» بر مسجد بزرگ دمشق می‌باشد. در پیشانی صفحات این قرآن عبارت، حبس الله نوشته شده است.

Milieux: part ۱, ARS ORIENTALS, vol XX whelan , Estelle

Writing Quran manuscripts and their

ترجمهٔ متن این وقف‌نامه به این شرح است: عبدالمنعم بن احمد این اجزا را که بالغ بر سی است، وقف مسجد جامع اموی دمشق کرد. به امید اجر و قبول خداوند در ماه ذی‌العده ۲۹۸ (مکی سباعی، ۸۶) قرآن دیگری به شمارهٔ ۳۳۶ نسخ عربی موجود در کتابخانهٔ ملی پاریس به خط کوفی اولیه و به سال ۳۲۹ هجری در مسجد جامع فسطاط وقف شده است.

<http://www.rasekhoon.net/Article/Show-13950.aspx>

چنان که گذشت، کهن‌ترین قرآن موقوفی ایران از قرن چهارم هجری و به شمارهٔ ۳۰۰۴ موزهٔ قرآن و نفائس آستان قدس رضوی (ع) به خط کوفی ایرانی است. (گلچین معانی، ۳۳) قرآن‌های خطی موجود در بخش اسلامی موزهٔ ملی ایران از جمله نفیس‌ترین مجموعه‌های نسخه‌های خطی قرآنی به شمار می‌آیند. این قرآن‌ها عمدتاً بر مساجد، مقابر و اماکن متبرکه وقف شده‌اند. از آن‌جا که بیش‌تر این مجموعه از بقعهٔ شیخ صفی

الدین اردبیلی به این موزه منتقل شده است، بیش تر این قرآن‌ها موقوفه این بقعه بوده‌اند. مجموع وقف‌نامه‌های مورد وقف ۴۸ مورد است. دو مورد از این وقف‌نامه‌ها وقف خاص؛ یعنی وقف بر اولاد هستند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. آموزش قرآن به دلیل اهمیت آن و توصیه‌های زیاد قرآن و معصومان: مورد توجه همه مذاهب فقهی اسلامی است.
۲. مذاهب فقهی مختلف اسلامی از طرق گوناگون، چون وقف قرآن به شکل عام و خاص در آموزش قرآن و ترویج باورهای دینی نقش ایفا کرده‌اند. از این رو، وقف قرآن به هر دو نوع آن از اسباب تقویت قرآن و ارزش‌های دینی است، به خصوص در مورد کودکان که تشویق آنان به ارزش‌های قرآنی را در بر دارد.
۳. مذاهب فقهی اسلامی، آثار معنوی دنیوی و اخروی وقف قرآن و قرائت و آموزش آن را باور دارند و معتقدند که وقف قرآن یکی از مصادیق صدقه جاری مذکور در روایات مورد اتفاق شیعه و اهل تسنن است.
۴. قرآن‌های وقفی در پایه‌گذاری و گسترش کتابخانه‌های اسلامی در مساجد و مکان‌های مقدس، چون حرم ائمه (ع) و ... نقش بسزا داشته‌اند. این امر را می‌توان از قرآن وقفی به حرم امام رضا (ع) نتیجه گرفت که از تاریخ وقف قرآن یاد شده، می‌توان به سابقه طولانی این کتابخانه پی برد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن الجوزی، ابوالفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، الحیدریة فی النجف، چاپ اول، ۱۳۶۹ق
۴. ابن عابدین، محمد امین، حاشیة رد المختار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق
۵. ابن نجیم الحنفی، زین الدین، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، بیروت، دار المعرفة، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق
۶. ابواسحاق، ابراهیم بن محمد بن عبد الله بن مفلح (۱۴۰۰)، المبدع فی شرح المقنع، بیروت، المكتب الاسلامی، ۱۴۰۰ق
۷. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق
۸. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق
۹. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق
۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق
۱۱. بهایی، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، مشرق الشمسیین مع تعلیقات الخواجویی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق
۱۲. البهوتی، منصور بن یونس، الروض المریع فی شرح زاد المستقنع، ریاض، مكتبة الرياض الحديثة، ۱۳۹۰ق
۱۳. بیانی، مهدی، راهنمای گنجیة قرآن در موزة ایران باستان، تهران، ۱۳۲۸ق
۱۴. جصاص، احمد بن محمد الطحاوی، مختصر اختلاف العلماء، بیروت، دار البشائر الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق
۱۵. جناتی شاهرودی، محمد ابراهیم، ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۴ش
۱۶. الحصفکی، علاء الدین، الدر المختار، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۳۸۶ق
۱۷. حلّی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق
۱۸. الحنفی، ابن ابی العز، شرح الطحاویة، بی جا، تحقیق التركي، ۱۴۱۷ق

۱۹. خامنه‌ای، سید علی، ترجمه اجوبة الاستفتانات، بی‌جا، بی‌تا
۲۰. خمینی (امام)، روح الله، استفتائات، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسان حوزه علمیه قم، بی‌تا
۲۱. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ اسلام، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق
۲۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۵ش
۲۳. سلیمان الجمل، حاشیة الجمل علی شرح المنهاج، بیروت، دار الفکر، بی‌تا
۲۴. سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر ابو الفضل، الדיباج علی مسلم، دار ابن عفان، ۱۴۱۶ق
۲۵. الشربینی الخطیب، محمد، مغنی المحتاج الی معرفة معانی الالفاظ المنهاج، بیروت، دار الفکر، بی‌تا
۲۶. الشربینی، محمد، الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق
۲۷. شهاب الدین القلیوبی، احمد بن احمد بن سلامة، حاشیة عمیرة، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۹ق
۲۸. شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة دمشقیة، بیروت، دار التراث الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق
۲۹. غزالی، محمد بن محمد، جواهر القرآن و درره، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۹ق
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق
۳۱. گلچین معانی، احمد، راهنمای گنجینه قرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ش
۳۲. مجله کلیة ملک خالد العسکری، شماره ۷۹، سال ۲۰۰۴،
<http://www.kkmaq.gov.sa/Detail.asp?InSectionID=۱۴۱۷&InNewsItemID=۱۵۳۸۲۵>
۳۳. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسة، دار التیار الجدید- دار الجواد، بیروت، چاپ دهم، ۱۴۲۱ق
۳۴. مکی سباعی، محمد، کتابخانه بزرگ اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش
۳۵. النسفی، ابو البرکات عبد الله بن احمد، تفسیر النسفی، بی‌جا، بی‌تا
۳۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء

37. <http://www.habous.gov.ma/ar/detail.aspx?id=1151&z=270&s=8>
38. <http://www.imamreza.net/arb/imamreza.php?id=1016>
39. http://www.balagh.net/persian/quran/ketab_khaneh/15_quran_dar_ayeneye_ahkam/08.html
40. <http://www.islamweb.net/ver2/Fatwa/ShowFatwa.php?lang=A&Id=27442&Option=FatwaId>
41. <http://www.ansab-online.com/phpBB2/showthread.php?t=13127>
42. www.Dawahmemo.com
43. <http://www.bfnews.ir/vdchinkjldiljknlnlggfmhjfdgpfhklhl-olnekonglicaphfgcabjbmbfbibmognonebmnhnoedohbhcnl-pekolgbjhbibaaokiibenk.html>
44. Milieux: part1, ARS ORIENTALS, vol XX whelan Estelle Writing Quran manuscripts and jheir